یادداشت

حسین فصیحی

این دردهای جانکاه

* پزشک دستور به بستری کردن طفل می‌دهد. پدر و مادر کودک در حالی که بچه‌شان در تب می‌سوزد او را به آغوش گرفته و خود را به بخش بستری می‌رسانند. آنها نامه پزشک را به مسئول بخش می‌دهند اما در کمال تعجب مسئول بخش می‌گوید که تخت خالی نداریم! همان لحظه زوج دیگری در حالی که کودکی بیمار همراه دارند همراه یکی از پزشکان بیمارستان از راه می‌رسند. پزشک چیزی دم گوش مسئول بخش می‌گوید. مسئول بخش رو به زوج تازه از راه رسیده می‌کند و می‌گوید که بچه‌تان را برای بستری شدن آماده کنید.

* مرد میانسال چند روز است که برای پیگیری پرونده‌اش به دادگاه می‌آید. او ساعت‌ها در راهرو قدم می‌زند، می‌نشیند و بدون اینکه کارش به نتیجه برسد به خانه‌اش بر می‌گردد. در حالی که مستأصل مانده دو نفر از راه می‌رسند. یکی از آنها خودش را از آشنایان قاضی معرفی می‌کند و به مدیر شعبه می‌گوید برای پیگیری پرونده مردی که همراه اوست به آن جا آمده است. با راهنمایی مدیر، هر دو وارد اتاق قاضی می‌شوند. لحظاتی بعد در حالی که هر دو از کارشان اعلام رضایت دارند دفتر را ترک می‌کنند.

* پس از سال‌ها درس خواندن و گرفتن مدارک دانشگاهی در آزمون استخدامی شرکت کرده، اما در کمال تعجب نتوانسته جایی استخدام شود. برای دنبال کردن علت، خودش را به مرکز گزینش می‌رساند. همان لحظه مردی شیک‌پوش همراه دختری جوان از دفتر مدیر خارج می‌شوند. مدیر به مرد شیک‌پوش تعظیمی می‌کند و می‌گوید خاطرتان جمع، دختر خانم حتماً استخدام می‌شوند.

* یک‌سال است که برای گرفتن انتقالی تلاش می‌کند، اما می‌گویند که امکان انتقال از شهرستان به تهران اصلاً وجود ندارد. برای یک لحظه شرایط سخت زندگی مقابل چشم‌هایش قرار می‌گیرد و کنار اتاق رئیس روی صندلی می‌نشیند. همکار تازه‌اش که به تازگی دنبال انتقالی گرفتن است را می‌بیند. او می‌گوید که کار انتقالش انجام شده است. یکی از بستگانش که از معاونان وزیر است کارش را ردیف کرده است!

* ساعت‌هاست که همراه همسر و دو کودک خردسالش تعاونی‌های اتوبوسرانی را پا می‌زند به امید اینکه بتواند برای رفتن به شهرستان بلیت تهیه کند، اما هیچ‌کس حاضر نیست حتی جواب سؤالش را هم بدهد. چند نفر از راه می‌رسند و سراغ یکی از کارکنان تعاونی را می‌گیرند. یکی از آنها می‌گوید که فلانی تلفنی سفارش ما را کرده بود. همان لحظه برایشان بلیت صادر می‌شود.

* شهرداری اصرار به تخریب اتاقک کوچکی دارد که چهل‌سال قبل مالک قبلی آن را در پشت بام خانه‌ساخته است. اصرارهایش برای باقی ماندن اتاقک راه به جایی نبرده است. صبح که از خواب بیدار می‌شود از خیابان شریف رضی به سمت خیابان مردم رانندگی می‌کند تا به میدان بهارستان برود، اما در کمال تعجب می‌بیند که نمایندگان مجلس خیابان مردم را با کشیدن دیواری بلند ضمیمه خاک مجلس کرده‌اند. از خیابان مجاور، میدان بهارستان را دور می‌زند، از مقابل تحصن کنندگان مقابل در شمالی مجلس عبور می‌کند و دوباره وارد خیابان شریف رضی می‌شود. می‌ترسد مبادا در همین لحظه خیابان شریف رضی هم ضمیمه خاک مجلس شده باشد. همه آن‌چه در بالا به آن اشاره شد و بیشتر از آن بخش مهمی از روزمرگی‌هایی است که مردم (نه مسئولان) همه روزه در حال دست و پنجه نرم کردن با آن هستند. دردهای جانکاهی که گاه با فریاد دردمندان به درگیری، قتل یا خودکشی در ادارات و سازمان‌ها منجر می‌شود، اما آن‌چه از جایش تکان نمی‌خورد انگیزه‌ای برای تغییر وضعیت موجود است.

اولیای دم حادثه: عاملان آوار برداری مرتکب قتل عمد شده‌اند

علیرضا چارلی قربانی حادثه

اولیای دم مرد میانسالی که به خاطر بی توجهی مأموران شهرداری تهران هنگام تخریب خانه‌ای به کام مرگ رفته با حضور در دادسرای امور جنایی تهران از شهرداری تهران به اتهام قتل عمد شکایت کردند.

به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۱۴ روز شنبه ۲۳ دی‌ماه امسال با مرگ مرد میانسالی زیر آوار خانه قدیمی در جنوب تهران از سوی مأموران پلیس به جریان افتاد. نخستین بررسی‌های مأموران پلیس در محل حادثه که ساختمان مخروبه‌ای در حوالی یافت‌آباد بود نشان داد ساعتی قبل لودر شهرداری منطقه ۱۸ پس از تخریب خانه قدیمی متوجه می‌شود صاحب خانه قبلی این ساختمان داخل یکی از اتاق‌ها خواب بوده که بر اثر ریزش آوار هنگام تخریب به کام مرگ رفته است. همچنین مشخص شد قبل از حادثه، همسایه‌های ساختمان مخروبه به راننده لودر عوامل شهرداری که برای تخریب به محل آمده بودند هشدار داده بودند که صاحب قبلی این ساختمان هر شب در یکی از اتاق‌ها می‌خوابد، اما راننده لودر و عوامل شهرداری با بی‌توجهی به هشدارهای همسایه‌ها و بدون بازرسی اتاق‌ها اقدام به تخریب خانه مسکونی کرده که در جریان آن علیرضا چارلی مرد ۴۲ ساله که در یکی از اتاق‌ها خواب بوده‌است، کشته می‌شود. پس از این حادثه قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند. قاضی مرادی همزمان با ادامه تحقیقات دستور داد جسد مرد فوت شده برای مشخص شدن علت اصلی مرگ و آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شود. وی همچنین برای بررسی حادثه پرونده را در اختیار کارشناسان رسمی دادگستری قرار داد و نماینده و عوامل شهرداری را برای تحقیق به دادسرا احضار کرد. صبح دیروز نماینده حقوقی شهرداری برای ارائه توضیحات درباره این حادثه به دادسرای امور جنایی آمد و از سوی بازپرس پرونده مورد بازجویی قرار گرفت. همچنین سه خواهر و دو برادر مرد فوت شده هم برای تحقیقات و شکایت از شهرداری در دادسرای امور جنایی حاضر شدند. یکی از اولیای‌دم درباره این حادثه به خبرنگار ما گفت: این خانه ارثیه خانوادگی ما بود و به خاطر اینکه در طرح بود حدود ۷ تا ۸ ماه قبل تصمیم گرفتیم به شهرداری بفروشیم. من و برادر و خواهرهایم به شهرداری فروختیم و امضا کردیم، اما برادرم که در این حادثه فوت کرد هرگز حاضر به فروش نشد و مدعی بود که شهرداری خانه ما را ارزان خریده و قیمت واقعی آن خیلی بالاتر است. مدتی بعد ما خودمان قسمتی از آن خانه را تخریب کردیم، اما قسمتی هم سالم بود و برادرم که مجرد بود در آن قسمت زندگی می‌کرد و این موضوع را همه ما و همسایه‌ها خبر داشتند. او کلید داشت و هر روز و شب به آن خانه رفت و آمد داشت و شب‌ها هم همانجا می‌خوابید و اینطور نبود که به صورت مخفیانه رفت و آمد داشته باشد. وی ادامه داد: ما موضوع زندگی برادرمان را به شهرداری هم اطلاع داده بودیم و آنها هم خبر داشتند که برادرم آنجا زندگی می‌کند و به همین دلیل قرار شد هر زمانی که آنها تصمیم به تخریب بگیرند به ما اطلاع دهند تا برادرمان راضی کنیم و خانه را تخلیه کند. آنها حتی امضا دادند که موضوع را به ما قبل از تخریب اطلاع دهند، اما آنها بدون اطلاع به ما دست به تخریب خانه زدند و برادرمان را زیر آوار به قتل رساندند. آن روز لودر شهرداری همراه تعدادی از عوامل شهرداری در محل حاضر می‌شود و همسایه‌ها به آنها هشدار می‌دهند که صاحب قبلی داخل خانه خواب است، اما آنها توجهی نمی‌کنند و اقدام به تخریب می‌کنند که پس از جمع‌آوری نخاله با جسد برادرم روبه‌رو می‌شوند. به گفته همسایه‌ها عوامل شهرداری نه تنها خانه را بازرسی نمی‌کنند بلکه آژیر هم نمی‌کشند، اما بعد به دروغ مدعی می‌شوند که ما آژیر کشیده‌ایم. وی گفت: شهرداری توجیه غیرقابل قبول و خنده‌داری را در این حادثه مطرح کرده که باید اول بگوییم برادرم معتاد و کارتن‌خواب نبود بلکه در خانه خودش زندگی می‌کرد. دوم اینکه آنها مدعی شده‌اند به گفته همسایه خانه قبلی ما محل تجمع افراد بی‌خانمان، کارتن‌خواب‌ها و افراد معتاد بوده حالا من این سؤال دارم اگر واقعاً به این نتیجه رسیده بودید که محل تجمع افراد بی‌خانمان بوده که باید بازرسی کامل انجام می‌دادید چون امکان داشت با تخریب خانه به جای برادرم افراد دیگری هم زیر آوار جان خود را از دست بدهند. وی در پایان گفت: ما الان به دادسرای امور جنایی آمده‌ایم و از شهرداری و عوامل آن به اتهام قتل عمد برادرمان شکایت کنیم و امیدواریم این حادثه کامل بررسی شود و عاملان آن مجازات شوند.

تحقیقات تا مشخص شدن علت اصلی مرگ مرد میانسال از سوی مأموران ادامه دارد.

زندگی در بهزیستی پس از دعوای خونین پدر و مادر

پسر نوجوان که در جریان دعوای خونین پدر و مادرش بدون سرپرست مانده بود در سازمان بهزیستی ادامه حیات می‌دهد. پدر او مردی سالخورده است که از یک‌سال قبل در جریان اختلافی خانوادگی مادرش را به قتل رساند و روانه زندان شد.

به گزارش خبرنگار ما، هفدهم دی‌ماه سال ۹۵، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک زن میانسالی در شهرری باخبر و راهی محل شدند.

شوهر جمیله که در خانه حضور داشت به مأموران گفت: «سر کار بودم که پسرم تماس گرفت و گفت همسرم حالش خوب نیست. بلافاصله به خانه آمدم و با اورژانس تماس گرفتم. امدادگران هم به اینجا آمدند و بعد از معاینه گفتند که همسرم فوت شده‌است.» بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی کارشناسان علت فوت را سوختگی درجه سه و ضربه به سر اعلام کردند. بنابراین پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و مأموران در اولین گام از تحقیقات دریافتند مقتول یک هفته قبل از فوتش با شوهرش درگیر شده بود و در آن درگیری زن میانسال کتک خورده و سوخته بود. به این ترتیب شوهر ۶۹ ساله مقتول که رحمان نام داشت، بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او با انکار جرمش گفت: «جمیله زن دومم بود و ۲۹ سال با هم زندگی کرده بودیم، اما در این مدت به خاطر بعضی مشکلات با هم اختلاف داشتیم و بارها با هم درگیر شده بودیم. یک هفته قبل از حادثه در یک درگیری لفظی محکم به پایش زدم، اما بعد دلم برایش سوخت و خواستم او را به رسم قدیم آب درمانی کنم. شیر آب داغ را باز کردم، اما فکر نمی‌کردم بلافاصله آبگرمکن داغ شود و باعث سوختگی او شود.» متهم در ادامه گفت: «باور کنید خیلی اصرار کردم او را به بیمارستان ببرم اما قبول نکرد.» با انکارهای متهم، رحمان بنا به شواهد و قرائن موجود روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز متهم در اولین جلسه رسیدگی به پرونده از زندان اعزام و در آن شعبه به ریاست قاضی توکلی محاکمه شد. ابتدای جلسه بعد از قرائت کیفرخواست، پدر مقتول و چهار فرزند او که از شوهر اولش بودند درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: «زن اولم را بعد از هشت‌سال زندگی طلاق دادم و بعد با جمیله ازدواج کردم. او ناراحتی کلیه داشت و دیالیز می‌شد تا اینکه با پیوند کلیه حالش خوب شد. ما چندسالی بچه‌دار نشده بودیم تا اینکه با نذر و نیاز صاحب یک فرزند پسر شدیم که حالا ۱۲ ساله است. من بازنشسته راه‌آهن بودم و با حقوق بازنشستگی نمی‌توانستم مخارج زندگی‌ام را تأمین کنم. از طرفی پسرم، همه دار و ندارم بود و دوست داشتم آینده روشنی داشته باشد. او از من خواسته بود که او را در مدرسه غیرانتفاعی ثبت نام کنم. قبول کردم، اما باید سالانه ۷ میلیون تومان به حساب مدرسه واریز می‌کردم به همین دلیل مجبور بودم کار کنم.» متهم در ادامه گفت: «یک ترازوی وزن‌کشی خریدم و با آن حوالی حرم شاه‌عبدالعظیم می‌رفتم و کار می‌کردم. آنجا شب‌ها تا دیر وقت مردم رفت و آمد می‌کردند به همین دلیل اکثر شب‌ها ۱۲ الی ۲ و نیم شب به خانه می‌رفتم. این یکی از دلایلی بود که با همسرم اختلاف داشتم او فکر می‌کرد که من همسر دیگری هم دارم. گفتم حاضرم ثابت کنم و اگر خواستی همراهم بیا. دیگر اختلافی که با او داشتم این بود که او بدون اطلاع من از جیب لباسم پول برمی‌داشت. آخرین بار وقتی بود که ۸۰۰ هزار تومان را روی تخت پسرم گذاشته بودم تا آن را با خودش به مدرسه ببرد، اما وقتی پسرم از خواب بیدار شد، گفت پولی روی تختش نبوده است. فهمیدم همسرم آنرا برداشته و به همین دلیل اعتراض کردم.»

متهم در خصوص سوختگی شدید همسرش گفت: «وقتی اعتراض کردم شروع به حاضر جوابی کرد و از عصبانیت یک ضربه محکم به پایش زدم. او فریاد آهسته‌ای کشید که دلم سوخت. دقایقی گذشت خواستم او را آب درمانی کنم. شیر آب داغ را باز کردم که ناگهان فریاد کشید. همان موقع آب را بستم و از او خواستم تا او را به بیمارستان برسانم، ولی قبول نکرد. چند روز از او پرستاری کردم و روزی خودش گفت ترازویت را بردار و برو دنبال کارت. منم قبول کردم، اما چند روز بعد فوت کرد.»

در ادامه متهم به سؤالات هیئت قضایی پاسخ داد.

بنا به نظریه پزشکی قانونی یکی از علت‌های فوت ضربه به سر بوده است. چه جوابی داری؟ شاید سرش به جایی خورده باشد!

آن روز وقتی دیدی همسرت در حال فوت است به اورژانس زنگ زدی، چرا در طی یک هفته‌ای که او از سوختگی رنج می‌برد این کار را نکردی؟ اشتباه کردم.

معمولاً برای آب‌درمانی ابتدا میزان گرمی آب را تست می‌کنند، ولی چرا یکدفعه آب را روی پاهای مقتول باز کردی؟ فکر نمی‌کردم با روشن کردن آبگرمکن بلافاصله آب گرم شده باشد.

متهم در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید قتلی مرتکب نشده‌ام، اما حاضر نیستم خونی پایمال شود. از طرفی عاشق پسرم هستم و آینده او برایم مهم است. وقتی در زندان بودم از خواهرانم خواستم او را نگهدارند که خدایی نکرده کارتن‌خواب یا معتاد نشود. حتی حاضر بودم حقوق بازنشستگی را هم به آنها بدهم اما قبول نکردند و الآن او در بهزیستی است. من یک خانه دارم که اگر مجبور به پرداخت دیه شوم حاضرم شش دانگ آن را در اختیار اولیای‌دم بگذارم، اگر هم حکم قصاص باشد در برابر قانون حرفی ندارم، اما از قضات دادگاه تقاضا دارم اجازه دهند تا یک روز دیگر کنار پسرم باشم و او را در آغوش بگیرم.» در پایان هیئت قضایی به دلیل عدم تعیین قیم برای تنها فرزند مشترک مقتول و متهم جلسه را به تاریخ دیگری موکول کرد.

فعالیت‌های اقتصادی ناجا تابع ستاد کل نیروهای مسلح است

فرمانده نیروی انتظامی با بیان اینکه فعالیت‌های اقتصادی ناجا تابع ستاد کل نیروهای مسلح است از تصویب قرارگاه انضباط بخشی در این باره خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین اشتری صبح دیروز در نشست سراسری رؤسای پلیس مبارزه با مواد مخدر کشور با بیان اینکه یکی از اولویت‌های پلیس، مبارزه با ورود و توزیع مواد مخدر است، گفت: با توجه به انسداد مرزها کشفیات مواد مخدر در ورودی مرزها ۱۲ درصد افزایش داشته است که این کشفیات بیشتر در مرزهای شرقی کشور بوده است. همچنین ما ایستگاه‌های بازرسی و گلوگاه‌ها را در بین راه‌ها تقویت کردیم و استفاده از سگ‌های آموزش دیده مواد یاب ظرفیت خوبی برای کشف و مبارزه با مواد مخدر ایجاد کرده‌ایم. فرمانده ناجا ادامه داد: یکی از نگرانی‌های ما، خرده‌فروش‌های مواد مخدر هستند که شناسایی و با آنها برخورد می‌کنیم و تحویل مقامات قضائی می‌دهیم. همچنین جمع‌آوری معتادان متجاهر از برنامه‌های اصلی ماست و هر زمانی که مکان‌هایی برای نگهداری این افراد آماده باشد معتادان متجاهر را شناسایی و دستگیر می‌کنیم و تحویل مسئولان مربوطه خواهیم داد. سردار اشتری در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره سخنان اخیر وزیر دفاع مبنی بر دستور رهبری برای ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی نیروهای مسلح و احتمال جمع‌شدن فعالیت نهادهای اقتصادی ناجا و بانک قوامین اظهار کرد: نیروی انتظامی در خصوص موضوعات اقتصادی، تابع دستورات ستاد کل نیروهای مسلح است و بر این اساس قرارگاهی نیز به منظور انضباط بخشی در ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل شده‌است و براساس دستورالعمل آن کارها در حال انجام است و ما هر چه مدنظر ستاد کل نیروهای مسلح باشد همان اقدامات را انجام می‌دهیم.

فرمانده ناجا در قسمت دیگری از سخنانش در این نشست با بیان اینکه حتی مواد مخدری که به صورت ترانزیت وارد کشور می‌شود نیز باید جلوگیری شود، افزود: ریشه اصلی افزایش تولید مواد مخدر در کشورهای تولیدکننده از جمله افغانستان است و از زمان حضور امریکایی‌ها در این کشور کشت خشخاش و تولید مواد مخدر چندین برابر شده است.

بقه سفید دولتی در حوزه مواد مخدر نداریم

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر هم در حاشیه این همایش در جمع خبرنگاران با اعلام اینکه چیزی تحت عنوان یقه سفید در حوزه مواد مخدر در دستگاه‌های دولتی نداریم، گفت: آنچه که در سایر کشورها در حوزه مواد مخدر به عنوان یقه سفید یاد می‌شود در جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. سردار مسعود زاهدیان افزود: البته به واسطه حجم سنگینی که گردش مالی در حوزه مواد مخدر دارد، افراد مختلفی را از حوزه‌های غیردولتی جذب کرده‌اند که با برخورد جدی و قاطعانه به آنها، اجازه فعالیت نمی‌دهیم. وی ادامه داد: پلیس تمام سعی خود را برای سازماندهی، مبارزه و شناسایی منابع مالی قاچاقچیان مواد مخدر انجام داده و اداره مبارزه با پولشویی در پلیس راه‌اندازی شده است. زاهدیان در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره بخشنامه جدید در خصوص عدم اعدام قاچاقچیان مواد مخدر توضیح داد: در این بخشنامه پیش‌بینی شده است افرادی که برای بار نخست به حوزه مواد مخدر ورود کرده‌اند مشمول تخفیف در مجازات شوند، اما در مورد قاچاقچیانی که در این حوزه دارای سابقه هستند همچنان حتی حکم اعدام نیز صادر می‌شود. وی از شناسایی و انهدام ۱۶۰۴ باند مواد مخدر خبر داد و دستگیری، بیش از ۴ هزار نفر (از عناصر اصلی باندها) خبر داد و گفت: در ۱۰ ماهه گذشته بالغ بر ۵۹۰ تن موادمخدر کشف شد که در مقایسه با مدت مشابه ۱۱ درصد رشد داشتیم و این میزان تا تاریخ ۲۶ دی‌ماه ۶۱۲ تن رسید که رشد ۱۲ درصدی را نشان می‌دهد.

کشف جسد سوخته حوالی چیتگر

مأموران پلیس جسد سوخته پسری را حوالی چیتگر کشف کردند که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته بود.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۳ شامگاه شنبه سی‌ام دی‌ماه قاضی دشتبان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۸۱ عوارضی از کشف جسد سوخته شده پسر جوانی در حوالی پارک چیتگر با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که پاتوقی به نام گودال بود با جسد سوخته شده پسر ۱۹ ساله‌ای به نام حمید روبه‌رو شدند. بررسی‌ها نشان داد پسر جوان ساعتی قبل با یکی از دوستانش در این محل قرار ملاقات داشته که به طرز مرموزی به کام مرگ می‌رود و جسدش سوخته می‌شود. یکی از اعضای خانواده حمید گفت: خانه ما در نزدیکی محل حادثه است. پسرم برای انجام کاری از خانه بیرون رفت تا اینکه دقایقی قبل یکی از دوستانش با ما تماس گرفت و گفت حمید را به قتل رسانده‌اند و جسدش را آتش زده‌اند. بلافاصله به محل حادثه آمدیم که با جسد سوخته شده پسرمان روبه‌رو شدیم. دوست پسر فوت شده هم به مأموران گفت: حمید از دوستان قدیمی من بود. امروز تلفنی با او حرف زدم و قرار شد یکدیگر را ببینیم. ساعتی قبل به من خبر داد که در محلی به نام گودال در نزدیکی چیتگر منتظر من است. وقتی به محل قرار رفتم از حمید خبری نبود. چند بار او را صدا زدم، اما جوابی نشنیدم تا اینکه با جسد سوخته شده‌اش در گودال روبه‌رو شدم. مأموران در تحقیقات میدانی دریافتند حمید مدتی قبل از سوی افرادی تهدید به قتل شده است. جسد پسر جوان برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به دستور قاضی دشتبان به پزشکی قانونی فرستاده شد. کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات گسترده‌ای را درباره این حادثه آغاز کرده‌اند تا زوایای پنهان آن را بر ملا کنند.

موتورسوار هوسران بازداشت شد

مرد جوانی که متهم است پنج پسر نوجوان را ربوده و پس از آزار در یکی از مناطق جنوب تهران رها کرده است، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به پرونده مرد شیطان صفت چندی قبل همزمان با شکایت مردی درباره ربودن پسر ۹ ساله‌اش از سوی مرد موتورسواری به جریان افتاد. شاکی گفت: پسرم دانش‌آموز است. ساعتی قبل در راه مدرسه مرد موتورسواری به بهانه بردن گلدانی به خانه مادرش سوار موتورسیکلتش می‌کند و او را با تهدید می‌رباید و بعد در محله خلوتی در جنوب تهران مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد و در ادامه هم همانجا رهایش می‌کند. با طرح این شکایت پرونده برای رسیدگی به دستور قاضی سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره ۱۶ پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در تحقیقات خود به شکایت‌های مشابه‌ای روبه‌رو شدند که همگی حکایت از این داشت مرد هوسران دانش‌آموزان پسر را به همین بهانه با موتورسیکلت ربوده و مورد آزار و اذیت قرار داده است. مأموران در نهایت پس از چهره‌نگاری متهم را زمانی که قصد داشت آخرین طعمه خود را بربابد دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌ها به پنج فقره آدم‌ربایی اعتراف کرد و مدعی شد که معتاد است و در توهم مصرف شیشه دست به آدم‌ربایی و آزار و اذیت دانش‌آموزان زده است. تحقیقات از متهم به دستور قاضی سهرابی ادامه دارد.

آگهی مفقودی

کارت دانشجویی سعید علی صوفی دانشجوی رشته زیست‌شناسی گرایش فیزیولوژی از دانشگاه سیستان و بلوچستان به شماره دانشجویی ۹۳۱۰۵۴۴ مفقود گردیده و بدینوسیله از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سند خودرو سواری پراید تیپ جی تی ایکس ای مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۴۵۷ ل ۲۳ به بنام اکبر پرکم مفقود گردیده و بدینوسیله از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

کارت دانشجویی فاطمه کریمی دانشجوی رشته کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه سیستان و بلوچستان به شماره دانشجویی ۹۵۳۳۵۳۳ مفقود گردیده و بدینوسیله از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

کارت دانشجویی رقیه سبزکار دانشجوی رشته کارشناسی مدیریت مالی از دانشگاه سیستان و بلوچستان به شماره دانشجویی ۹۳۲۶۴۸۳ مفقود گردیده و بدینوسیله از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی موضوع ماده ۳ و قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۷۰۱۸-۱۳۹۶/۱۰/۳ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای مسعود بخشایش فرزند هوشنگ به ش.ش: ۱۷۹ صادره از کهکیلویه به شماره ملی ۶۰۰۹۷۲۸۰۱۰ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۲۷/۴۰ مترمربع پلاک ۵ فرعی از ۲۵۴۸ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۵۴۸/۱ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری از مریم شادمان مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد./ م.الف ۲۰۵۱

نوبت اول: ۹۶/۱۰/۱۷- نوبت دوم: ۹۶/۱۱/۲ سهراب خواجه- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

آگهی دادگستری

آگهی مربوط به تجدید نظر

آگهی ابلاغ دادخواست و ضمائم تجدید نظر خواهی به آقای محمد گل گیج و خانم مریم ایلوزآبادی * تجدید نظر خواه آقای قاسم خداوردیلو دادخواست تجدید نظر خواهی به طرفیت تجدیدنظر خوانده آقای محمد گل گیج و خانم مریم ایلوزآبادی نسبت به دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۶۱۰۹۰۰۷۰۸ در پرونده کلاسه ۹۵۱۰۰۰ شعبه ۹ حقوقی تقدیم که طبق موضوع ماده ۷۳ و ۳۴۶ قانون این دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن تجدید نظر خوانده مراتب تبادل لوایح یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا تجدید نظر خوانده ظرف ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم تجدید نظر خواهی را دریافت و چنانچه پاسخی دارد کتباً به این دادگاه ارائه نماید. در غیر اینصورت پس از انقضاء مهلت مقرر قانونی نسبت به ارسال پرونده به دادگاه تجدید نظر اقدام خواهد شد.

/ م‌الف: ۹۶/۱۱۱۴۸ف

مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۹ دادگاه عمومی حقوقی کرج- صابر نیک فلاح

آگهی دادگستری

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۳۰۳۰۷۰۰۲۶۸ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان فردوس تصمیم نهایی شماره * خواهان: آقای محمود کلانتری فرزند علی اکبر با وکالت آقای ناصر صمدزاده فرزند رحمت اله به نشانی البرز، کرج، بلوار ملاصدرا، نرسیده به شورای حل اختلاف، ساختمان ونوس، ط ۳، واحد ۱۱ * خوانده: آقای سید مرتضی مشفقی زاده فرزند سید احمد به نشانی مجهول المکان * خواسته‌ها: ۱. الزام به ایفای تعهد (مالی) مبنی بر ۲. مطالبه حق الوکاله به درخواست وکیل ۳. مطالبه خسارت * دادگاه با عنایت به محتویات پرونده و با استعانت از خداوند متعال ضمن اعلام ختم رسیدگی در خصوص ادعای اعسار به شرح ذیل مبادرت به اصدار و انشاء رای می‌نماید. * رای دادگاه: در خصوص دادخواست آقای محمود کلانتری با وکالت آقای ناصر صمدزاده به طرفیت آقای سید مرتضی مشفقی زاده به خواسته صدور حکم مبنی بر اعسار از پرداخت هزینه دادرسی در پرونده کلاسه ۹۶۰۳۰۷ این دادگاه نظر به اینکه مندرجات استشهادیه پیوست دادخواست و اظهارات خواهان همگی دلالت بر صحت ادعای نامبرده مبنی بر عدم استطاعت مالی کافی در جهت پرداخت هزینه دادرسی پرونده موصوف دارد و در قبال دعوی مطروحه ایراد و دفاعی موثری به عمل نیامده تا موجبات بطلان و بی اعتباری آنرا فراهم آورد و دلیلی که حاکم از تمکن و توانایی مالی مدعی اعسار باشد به دادگاه ارائه نشده و در پرونده موجود نیست لذا دادگاه به عنایت به مراتب فوق الذکر و مقررات مواد ۵۰۴، ۵۰۸ و ۵۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی ضمن احراز صحت ادعای ممنونه و اعسار خواهان حکم بر معافیت موقت خواهان از تادیه هزینه دادرسی در تمام مراحل رسیدگی مربوط به این دعوی را صادر و اعلام می نماید چنانچه مدعی اعسار در دعوای اصلی محکوم له واقع گردد به محض وصول محکوم به مکلف به پرداخت هزینه دادرسی به خزانه دولت می‌باشد، رای صادره ظرف بیست رو پس از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدید نظر استان البرز می‌باشد./ م‌الف: ۹۶/۱۱۱۶۱ف

دادرس شعبه دوم دادگاه حقوقی فردیس - امیر پیش رویان ورکی